

کارنامهٔ سپاه سکولاریسم

دائرة المعارف بریتانیکا واژه "Secularism" را این گونه تعریف کرده است: «سکولاریسم حرکتی اجتماعی است که برای از بین بردن ایمان به آخرت در میان مردم و متمرکز نمودن تمامی هم و غم آنان به دنیا و امور مادی تلاش می نماید».

قاموس جهان جدید نوشتهٔ لوبستر در شرح و توضیح سکولاریسم یا لائیک می گوید: ۱- «سکولاریسم با همهٔ انواع ایمان، عبادت، معنویت و اخلاق سرستیز و دشمنی دارد؛ ۲- از نظر سکولارها دین و معنویت نباید در حوزهٔ حکومت، بویژه عرصهٔ تعلیم و تربیت و امور اجتماعی دخالت نماید».

تعریف دائرة المعارف آکسفورد از سکولاریسم این است: ۱- «سکولاریسم مکتبی کاملاً مادی و دنیوی است و با تمامی مظاهر معنوی و اخروی سر ناسازگاری دارد، و به دنبال سیاست، حکومت و هنر و اقتصاد غیردینی است؛ ۲- سکولاریسم با دخالت اخلاق در حکومت، سیاست و اقتصاد مخالفت می نماید».

برای درک درست و روشنی از این تفکر و آیین بشری (بر پایهٔ تعاریفی که خود غربی ها از سکولاریسم دارند) لازم است به بسترها و زمینه های پیدایش آن در جهان غرب مسیحی اشاره ای کوتاه داشته باشیم:

الف: عدم وجود احکام و مبانی قوانین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آیین مسیحیت؛
ب: مخالفت کلیسا و روحانیون مسیحی با دست آوردهای علمی و تجربی و محاکمه اندیشمندان و دانشمندان در دادگاه های تفتیش عقاید؛

ج: ناسازگاری تعالیم تحریف شدهٔ انجیل با فطرت انسان و روابط پیچیده و رو به گسترش جوامع بشری؛

د: تعلق تعالیم عیسی مسیح (ع) به مقطع خاصی از تاریخ بشر و نسخ آن پس از بعثت آخرین پیامبر خداوند صلی الله علیه وسلم.

با توجه به تمامی این موارد، نهضت سکولاریسم در اروپا در برابر آیین مسیحیت، حرکتی طبیعی و توجیه پذیر است، و پیشرفت های علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اروپا بعد از بهره گیری از تجارب علمی و عملی مسلمانان در عصر شکوفایی تمدن اسلامی، و مدیون رهایی از قید و بندهای ارباب کلیسا بوده است.

اما اسلامی که اولین آیه کتاب آن با حکم به قرائت و خواندن شروع می شود و پیروان خود را به علم و دانش اندوزی فرا می خواند و آن را واجبی شرعی به شمار می آورد؛ اسلامی که پیامبرش علیه الصلاة والسلام مردم را به بهره گیری از منابع و معادن مادی و تهیه اسباب و امکانات آسایش و پیشرفت فرا می خواند چنانکه اولین بنیانگزاران دانشگاه (همچون نظامیه بغداد و نظامیه نیشابور)، بیمارستان و رصدخانه در تاریخ تمدن بشری از پیروان این دین بوده اند و در بسیاری از علوم بویژه دانش پزشکی و ریاضی سرآمد و پیشگام بوده اند، و دینی که کاملاً با سرشت و طبیعت فردی و اجتماعی بشر سازگار است، به هیچ وجه نمی توان آن را با آیین های مسیحیت و یهودیت منسوخ شده و زمان به سر آمده مقایسه کرد. اما سیاستگزاران و سرمایه داران کینه توز صلیبی و صهیونیستی با علم به این حقیقت از تمامی توانایی های خود در جهت رویارویی با احیای دوبارهٔ حاکمیت و خلافت اسلامی بهره می گیرند، و در راستای حفظ منافع نامشروع سیاسی، اقتصادی و غارت ثروت های نفتی، باز نگاه داشتن بازار کشورهای جهان سوم بویژه ممالک اسلامی برای کالاهای خود، حفظ امنیت اسرائیل و حمایت از بردگان فکری و سیاسی خود، از تمامی وسایل و روش های ماکیاویستی و تبلیغات گسترده علیه اسلام سیاسی و جهادی بهره می گیرند.

عبدالعزیز سلیمی

دین ستیزی

انسان مسلمانی که به آیین سکولاریسم می‌گردد و آن را تبلیغ می‌نماید هر چند به وجود خداوند و قیامت باور داشته باشد، عقاید سکولاریستی اش او را به سوی الحاد و کفر سوق می‌دهد، زیرا او بسیاری از ضروریات و مبانی دین اسلام همچون: ممنوعیت ربا، زنا، شرابخواری، واجب بودن زکات، اجرای حدود شرعی و دیگر امور قطعی دین را با توجه به باورهای لائیک خود انکار و با اجرای آن‌ها مخالفت می‌نماید، در حالی که بر اساس اجماع و اتفاق کارشناسان و عالمان دین انکار و مخالفت با چنین مسائلی سبب کفر و الحاد می‌شود. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «و لقد بعثنا فی کلّ امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت» (نحل: ۳۶)؛ در میان تمامی امت‌ها و جوامع پیامبری را فرستادیم (که به آنان بگوید:) که تنها خداوند را عبادت و از آیین او تبعیت کنید و از فرمانبرداری فرمانروایان خودکامه خودداری نمایید. امام ابن‌القیم در تعریف طاغوت می‌گوید: «هر چیزی اعم از معبود و متبوع و اطاعت شونده که از موازین ایمانی و یکتاپرستی خارج شود، طاغوت است. طاغوت هر جامعه‌ای کسی و یا مرجعی است که بر خلاف دین خداوند از او به عنوان قانونگذار و توجیه‌گر اطاعت می‌کنند و از او چشم بسته فرمانبرداری می‌نمایند و حکم و فرمایش را همچون حکم خداوند و رسولش می‌دانند.»^(۱)

شیخ محمد نجدی می‌گوید: «طاغوت واژه‌ای کلی است که با «لا اله الا الله» در تضاد قرار دارد. اعم از اینکه اندیشه، قانون، سیستم، شخص، حزب و یا حکومت باشد.»^(۲)

دکتر یوسف قرضاوی، رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، در کتاب «الاسلام و العلمانية وجها لوجه» می‌فرماید: «ادعای مسلمان بودن آدم لائیک یا سکولاری که با اصل حاکمیت احکام شریعت مخالفت می‌نماید، ادعای بی‌اساسی است. و یقیناً او آدمی مرتد به شمار می‌آید که هویت اسلامی را از خود خلع کرده و احکام مرتدین مانند: جدا شدن از زن و فرزندان در مورد او اعمال می‌گردد.»^(۳)

قانون‌گریزی و مردم ستیزی:

از آنجا که در قانون اساسی بسیاری از ممالک

اسلامی شریعت اسلام منبع قانونگذاری است و هرگونه قانون مخالف با آن مردود به شمار می‌آید، اقدامات سکولارها در جهت به تصویب رساندن قوانین لائیک بر خلاف قانون اساسی و علیه باورهای مورد قبول اکثریت مردم مسلمان است و در نتیجه مردود و غیر قابل قبول می‌باشد.

در بیشتر ممالک اسلامی مردم مسلمان از اکثریت بالای ۹۵٪ برخوردارند و اکثریت قریب به اتفاق آنان خواهان اجرای احکام شریعت و تصویب قوانین بر پایه مبانی دین می‌باشند، و این خواست را بخشی از باورهای دینی و لازمه بندگی خداوند به شمار می‌آورند. اما سکولارها بر خلاف اراده اکثریت قاطع مردم خواهان کنار نهادن دین از واقعیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هستند.

زیرپا نهادن مصالح درجه اول امت اسلامی:

سکولارها می‌گویند که با اعتقادات و عبادات دینی شخصی و غیرسیاسی و غیراجتماعی انسان‌ها مخالفتی ندارند، و به آزادی انتخاب دین باور دارند. اما باید به آنان یادآور شد که اسلام برگرفته از سرچشمه آن یعنی قرآن و سنت صحیح در عقیده و عبادت شخصی خلاصه نمی‌شود، زیرا حکومت، اقتصاد و فرهنگ و اداره امور اجتماع، بخشی از تعالیم آن به شمار می‌آید. اسلام با حمایت حامیانش به هیچ وجه اجازه نمی‌دهند که زمام امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تعلیم و تربیت و وسایل ارتباط جمعی در اختیار باورهای رنگ باخته بردگان و عوامل دشمنان اسلام و امت اسلامی قرار داشته باشد.

همچنین لازم به یادآوری است که اسلام به هیچ وجه تعالیم و راهنمایی‌ها و راهکارهای خود را با استفاده از زور و اجبار به هیچکس تحمیل نمی‌کند و با کفار و ملحدین و مشرکین و سکولارها و ناسیونالیست و مارکسیست‌هایی که ابزار دست دشمنان و زمینه‌ساز حاکمیت آنان نشوند و مصالح درجه اول جوامع اسلامی را زیر پا نگذارند، از روی تسامح برخورد می‌نماید و در جامعه اسلامی حقوق شهروندی آنان را مراعات می‌کند. زیرا برخورد قانونی با اشخاص و گروه‌هایی که به عنوان ستون

✓ سکولارها
بر خلاف اراده
اکثریت قاطع
مردم خواهان
کنار نهادن
دین از
واقعیت‌های
سیاسی،
اقتصادی،
فرهنگی و
اجتماعی
هستند.

پنجم دشمن عمل می کنند و زمینه ساز حاکمیت آنان می شوند در قوانین تمامی کشورهای جهان - حتی آن دسته از کشورها که مدعی پیشگامی در آزادی و تمدن و تسامح هستند - وجود دارد. آنان نیز با افراد و افکار و احزابی که مصالح کشورشان را مورد تهدید جدی قرار دهند، با قاطعیت برخورد می نمایند.

در شرایط زمانی کنونی با توجه به گسترش روز افزون منابع تحقیقاتی و وجود رسانه های ارتباط جمعی گمان نمی برم که کنکاشگران و جویندگان حقایق و واقعیت ها در رابطه با مهاجم همه جانبه قدیم و جدید فکری، فرهنگی، سیاسی و نظامی جهانخواران و غارتگران به ممالک جهان سوم - به ویژه دنیای اسلام - تردیدی در دل داشته باشند و ندانند که اساسی ترین عامل عقب ماندگی اقتصادی، توسعه سیاسی و علمی و گسترش فساد اداری دنیای سوم خوی سیری ناپذیر و تمامیت خواه دولت های استعماری بوده و هست. برای مثال می توان به اشغال نظامی و تحکیم سلطه سیاسی آنان بر بسیاری از کشورهای جهان و اشغال آشکار کشورهای عراق و افغانستان اشاره نمود.

اما آنانی که دلشان در بند بندگی مقام و موقعیت های کاذب است و چشمان تنگ خویش را بر روی واقعیت های انکارناپذیر بسته اند و شیفته و شیدای تبلیغات بوق های ناهنجار بیگانگان و بردگان آن ها شده اند، همچون شب پره از رؤیت آفتاب ناتوانند و حقایق انکارناپذیری مانند: رفتار غیرانسانی آمریکایی ها و اعوان و انصار آنها با زندانیان زندان ابو غریب و اخیراً بازداشتگاه جادریه بغداد و اعتراف آمریکایی ها به استفاده از اسلحه کشتار جمعی فسفر سفید در جنگ فلوچه و کشته شدن ده ها هزار انسان غیر نظامی در عراق و افغانستان و حمایت همه جانبه فرعون زمان از دیکتاتورهای سکولار، لیبرال و ناسیونالیست در تونس و مصر و ... و ترویج فرهنگ حیوانی در میان مردم و غارت گسترده منابع نفتی منطقه را نمی خواهند بپذیرند. استعمارگران تمامیت خواه در عرصه های متعددی همچون فرهنگ با بهره گیری از کارشناسان کارکشته برای نفوذ در اندیشه ها و باورهای ملت های مورد مهاجم برنامه ریزی کوتاه و بلندمدتی داشته و دارند.

اگر دشمنان صلیبی و صهیونیستی بر پایه باورهای مذهبی و مصالح مادی و سیاسی خود دین، ثروت و فرهنگ ملت های جهان سوم را هدف قرار می دهند، لائیک ها و ناسیونالیست ها و مذاهب و فرقه های

فجایع
سیاسی،
فرهنگی،
اقتصادی و
استراتژیکی را
که
حکومت های
لائیک و
ملی گرا در
ترکیه، مصر،
الجزایر،
تونس و... پدید
آورده اند، آنقدر
عظیم و
گسترده است
که به هیچ وجه
با مهاجم قدیم
صلیبی ها و
مغول ها قابل
مقایسه نیست.

نزادی بهره می گیرند. بسیاری از احزاب لائیک و ملی گرا همچنین برخی از فرقه های متصوفه حامی سکولارها در کنار حکومت نظامیان صداقت خود را در دوستی صهیونیست ها بارها به اثبات رسانیده اند، و بر خلاف شعارهای دموکراسی خواهی خود به هیچوجه اجازه برگزاری انتخاباتی آزاد و واقعی را نمی دهند و در عین حال اسلاميون را به مخالفت با دموکراسی متهم می نمایند. اگر در انتخاباتی آزاد مانند انتخابات ۱۲ سال پیش الجزایر مسلمانان پیروز شوند با حمایت استعمارگران و نظامیان سرسپرده کشور را به حمام خون تبدیل می کنند و نیروهای اطلاعاتی شان دست به کشتار مردم می زنند و آن کشتارها را به اسلام خواهان نسبت می دهند.

هر چند سکولاریسم را در غرب به جدایی دین از حکومت معنی می کنند و دین را در رابطه شخصی میان انسان و خداوند و محل های برگزاری عبادت محدود می دانند، اما در جهان اسلام از آیین سکولاریسم به عنوان ابزاری برای دشمنی با اسلام سیاسی، اسلامی که به دنبال خیر و سعادت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و بدست گرفتن زمام امور حکومت و در نتیجه زمام امور جامعه است، بهره می گیرند، و در تلاش اند پدیده هایی را که ناشی از باورهای خاص مسیحی و فرهنگ غربی است به شیوه ای ناپسند در میان مسلمانان رواج دهند.

اما بر خلاف ادعای خود مبنی بر جدایی دین از سیاست، محافظه کاران جدید حاکم بر آمریکا بسیاری از سیاست ها بویژه سیاست خارجی خود را بر پایه باورهای مسیحی افراطی قرار داده اند. برای مثال جورج بوش جنگ خود در عراق و افغانستان را جنگ جدید صلیبی می نامد و خود را از جانب خداوند برای دگرگونی جهان مأمور می داند، و منتظر بازگشت حضرت عیسی مسیح و سرکوبی مسلمانان و حاکمیت یهود است.

اسرائیل پارلمان خود را کنیست (عبادتگاه خاص یهودیان) می نامد. و بر اساس تعالیم تحریف شده تورات از رود نیل در مصر تا رود فرات در عراق را از آن یهود به شمار می آورد. غیر یهودیان را جاندارانی برای بردگی خود می داند. غصب اموال و سرزمین های غیر یهودیان را روا می شمارد و گاهی

جعلی نقش جاده صاف کن و راهنما و همکار آنها را در برابر کسب مال و مقام بر عهده گرفته و می گیرند. فجایع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و استراتژیکی را که حکومت های لائیک و ملی گرا در ترکیه، مصر، الجزایر، تونس و... پدید آورده اند، آنقدر عظیم و گسترده است که به هیچ وجه با تهاجم قدیم صلیبی ها و مغول ها قابل مقایسه نیست. ما در اینجا فهرست وار به برخی موارد اشاره می نماییم:

- ۱- وابستگی شدید سیاسی کشورهای تحت حاکمیت آنان به بیگانگان به حدی که استقلال آنها را به سختی زیر سؤال می برد؛
- ۲- عقب ماندگی وحشتناک علمی و اقتصادی؛
- ۳- اختناق و دیکتاتوری؛
- ۴- گسترش فساد اخلاقی و اجتماعی؛
- ۵- همکاری های گسترده اطلاعاتی و امنیتی علیه حرکت های سیاسی اصیل، متعهد و مردمی؛
- ۶- همکاری های گسترده نظامی با صلیبی ها و صهیونیست ها علیه دولت ها و جنبش های مخالف با استکبار جهانی.

تمامی این موارد از حاکمیت دولت های لائیک، لیبرال و ناسیونالیست مورد حمایت غرب بویژه آمریکا و انگلستان و در پشت سر آنها صهیونیسم بین الملل سرچشمه می گیرند و پراکندگی داخلی نیز به آن موارد دامن می زند.

کشور مصر را سکولارهای سرسپرده به مرزبان مرزهای اسرائیل و دلال اجرای سیاست های دشمنان و کشوری با حجم سنگین از مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در آورده اند و هر بار در عین تحریم گاهی ۷۷٪ مردم در انتخاباتی فرمایشی و مورد حمایت غرب به حکومت فرعونیی خود ادامه می دهند. و اگر به دلایلی فضای سیاسی را با هزار ترس و احتیاط همچون انتخابات پارلمانی اخیر باز نمایند، حرکت بیداری اسلامی شگفتی خواهد آفرید و قمه کشی و خریداری گسترده آراء به وسیله حامیان حزب حاکم مانع از پذیرش واقعیت اسلام خواهی آگاهانه مردم نخواهد گردید.

ترکیه مرکز خلافت عثمانی را به پایگاهی نظامی، فرهنگی و سیاسی برای خود آورده اند و از تمامی امکانات آن برای سرکوبی اسلام و ایجاد پراکندگی

✓ بر خلاف ادعای خود مبنی بر جدایی دین از سیاست، محافظه کاران جدید حاکم بر آمریکا بسیاری از سیاست ها بویژه سیاست خارجی خود را بر پایه باورهای مسیحی افراطی قرار داده اند.

را به عنوان ارباب و دوست خود بر نگیرید، آنان یار و پشتیبان یکدیگرند و هر کس از شما که اربابی ایشان را برگزیند و کارگزار آنان بشود، او نیز به راستی از جمله ایشان است.

دولتهای سکولارها و طرفداران آن بر خلاف ادعای‌های خود مبنی بر دموکرات بودن و طرفدار آزادی و حقوق بشر بودن، گاهی حتی تحمل حجاب و روسری دختران دانشجو و کارمند را ندارند؛ نمونه آن سیاست‌های دولت‌های فرانسه، ترکیه و تونس در مورد زنان و دختران کارمند و دانشجو است. صددرصد امکانات دولتی و رسانه‌ها را در اختیار می‌گیرند. از رسانه‌های ارتباط جمعی برای گسترش فساد فکری، اخلاقی و دروغ‌پراکنی بهره می‌گیرند. حقایق را انکار و یا وارونه جلوه می‌دهند. جنبش‌های مقاومت در برابر دشمنان را که حقی طبیعی است و قوانین بین‌المللی، احکام شریعت اسلامی و وجدان بیدار بشری آن را مورد تأیید قرار می‌دهند، تروریسم می‌خوانند؛ اما قتل عام و استفاده از سلاحهای کشتار جمعی اربابان خود را آزادسازی و تلاش برای گسترش دموکراسی به شمار می‌آورند. اما از نگاه ما اسلاميون، سرانجام سرگشتگان سراب سکولاریسم، ناسیونالیسم و مذاهب و فرقه‌های جعلی و خرافی و وابسته به بیگانگان در عمل چیزی بجز سرسپردگی و به بن بست رسیدن و خواری دنیوی و اخروی نخواهد بود، و تمامی تلاش‌های آنان و اربابانشان برای مقابله با اسلام، توحید و تقوا؛ اسلام، عدالت و آزادی؛ و اسلام عملگرا و مبارز و متمدن به شکست و بن بست خواهد رسید. «یریدون لیظفونوا نور الله بأفواههم و الله متمّ نوره و لو کره الکافرون» (صف: ۸)؛ می‌خواهند با باد دهان‌های خود نور (دین) خداوند را خاموش کنند، اما خداوند علی‌رغم ناخوشایندی کافران کامل‌کننده نور (دین) خود خواهد بود.

ان شاء الله سلامت و سعادت از آن حقیقت و هدایت طلبان خواهد بود.

هیئت‌هایشان برای ادای مراسم دینی خود جلسه کنفرانس‌ها را ترک می‌نمایند و ...

این بدان معنی است که هدف صلیبی و صهیونیست‌ها از حمایت از احزاب و حکومت‌های ناسیونالیستی و سکولار مبارزه فرهنگی، سیاسی و نظامی در جهت جلوگیری از احیای خلافت اسلامی است؛ آنها می‌خواهند همچنان با بهره‌گیری از حکومت‌های لائیک و ناسیونالیست مورد حمایت خود، مصالح نامشروعشان را تأمین نمایند. حکومت‌های وابسته‌ای که قطعاً پست‌هایی مانند: ریاست جمهوری، یا سلطنت و مقامات سه وزارتخانه: دفاع، کشور و اطلاعات آنها پس از مشاوره و تأیید استعمارگران تعیین می‌شوند. حتی تعدادی از ناظران مسائل منطقه بر این باورند که بسیاری از دولت‌های خاورمیانه از جمله: دولت‌های اردن، مصر، تونس و کویت و... بخشی از وزارت جنگ و وزارت خارجه آمریکا هستند و اساساً دولت به معنای صحیح آن به حساب نمی‌آیند. ما بر اساس آرای اندیشمندان و دین‌شناسان بر این باوریم که گرویدن آگاهانه به اندیشه‌ها و مکاتب سکولار، لیبرال، ناسیونالیست و مذاهب و فرقه‌های وابسته و در خدمت بیگانگان به معنای:

- ۱- پذیرفتن و لاء و اربابی دشمنان صلیبی و صهیونیستی،
- ۲- رویگردانی از دین و فرهنگ امت اسلامی،
- ۳- خیانت و بردگی قرن بیستمی،
- ۴- زیر پا نهادن مصالح درجه اول امت اسلامی،
- ۵- زمینه‌سازی همه‌جانبه برای غارت ثروت مادی و معنوی،
- ۶- گسترش فقر و عقب‌ماندگی و وابستگی علمی و اقتصادی،
- ۷- جلوگیری از توسعه سیاسی و کثرت‌گرایی،
- ۸- تفرقه و پراگندگی هر چه بیشتر در بین امت اسلامی است.

خداوند متعال در قرآن حساب آنانی را که لاء دشمنان را می‌پذیرند، همچون حساب آن دشمنان به شمار می‌آورد و می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا اليهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهدى القوم الظالمین» (مائده: ۵۱)؛ ای اهل ایمان یهودیان و مسیحیان

☑ **خداوند متعال در قرآن حساب آنانی را که لاء دشمنان را می‌پذیرند، همچون حساب آن دشمنان به شمار می‌آورد.**

پی‌اوری:

- ۱- اعلام الموقعین، ص: ۵۲.
- ۲- مجمع التوحید، ص: ۱۲.
- ۳- الاسلام و العلمانیة و جهالوجہ، ص: ۶۷.